

تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش به حجاب (مطالعه‌ی موردی):**گرایش به حجاب در بین زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله شهرستان لالی)**بهرام نیک بخش^{۱*}

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۹ صص ۳۶۵-۳۸۸ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر، با استفاده از رویکرد پیمایشی و بر اساس نظریات گزینش عقلانی، برچسب زنی‌های ناسنجیده، یادگیری کجروی و خرده فرهنگ‌ها مورد تحقیق قرار گرفته است. نمونه آماری پژوهش بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۳۰۰ نفر از زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله مقیم در شهرستان لالی بوده، که به صورت غیر احتمالی و با روش هدفمند گزینش شده اند. در این تحقیق متغیرهایی نظیر سن، شغل، میزان دینداری، تربیت خانواده و میزان استفاده از رسانه های گروهی بر متغیر وابسته‌ی نگرش به حجاب مورد سنجش و تحلیل قرار گرفت. با توجه به پارامتریک و رابطه‌ای بودن سطح فرضیات (به جز فرضیه‌ی اول) از آزمون هایی نظیر ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون دو متغیری و جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی پارامتریک اول از آزمون تحلیل واریانس دو طرفه بین آزمودنی‌ها بهره برده شد. در نتیجه به جز متغیر رسانه‌های جمعی، بین سایر متغیرهای مستقل دیگر نظیر: شغل، میزان دینداری، تربیت خانواده و سن با نگرش به مقوله‌ی حجاب رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: شغل، میزان دینداری، نگرش به حجاب، رسانه های گروهی.

مقدمه

حجاب و پوشش از اصیل‌ترین سنگر زنان و از مهم‌ترین و سودمندترین قانون الزامی آفرینش برای آنان در جامعه است. به عبارت روشن‌تر؛ حجاب و پوشش، سنگر سعادت و پیروزی زنان در جامعه است، که اگر این سنگر آسیب ببیند و یا فرو ریزد، عوامل سعادت، پاک‌زیستی و شرافت آنها فرو می‌ریزد (Abollhasani, 1996). حجاب و عفاف یک دستور دینی و از مسائل مهم و کلیدی جامعه ما است که با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به شمار می‌رود. حیا و پاکدامنی در ذات زنان نهادینه و در دین مبین اسلام نیز بر آن تأکید فراوانی شده است؛ زیرا پای بندی و عمل به احکام و دستورات دینی، موجب سعادت و سلامتی بشریت می‌شود. مسأله‌ی حجاب از منظر شناختی در حوزه‌ی مطالعات و مسائل زنان قرار می‌گیرد. مسأله‌ی زنان امری است که آنان از جهت فکری و عملی با آن درگیرند و در حوزه‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی قابل تبیین است. (Allasvand, 2010). بدحجابی از آسیب‌های اجتماعی است که در سطح و لایه‌های بیرونی جامعه نمایان و علامتی از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در عمق و لایه‌های زیرین جامعه است. نتایج تحقیقات علمی حاکی از آن است که بین متولیان و مسئولان جامعه در روابط با کنترل بدحجابی و حدود حجاب وحدت نظر وجود ندارد و علاوه بر عدم شفافیت، بین قوانین و عرف جامعه با حدود حجاب اسلامی نیز هماهنگی وجود ندارد (Sharepour et al, 2012).

از آن جایی که رعایت حجاب از نحوه‌ی گرایش افراد ناشی می‌شود، شناخت گرایش آنان نسبت به پوشش اسلامی و عوامل مرتبط، در شکل‌گیری آن ضروری است. بنابراین، مقاله‌ی حاضر سعی در تبیین جامعه‌شناختی این گرایش دارد تا قدم مؤثری در جهت شناسایی این رفتار اجتماعی بردارد. در دو قرن گذشته الگوی پوشش، نشانه‌ی موقعیت اجتماعی بوده، اما در قرن حاضر آنچه پوشیده می‌شود، به معنای نوعی ایده‌ی بدن محوری، کسب هویت و مد از طریق پوشاک به مثابه‌ی یکی از سبک‌های زندگی است (Ahmadi et al, 2014).

مسأله‌ی پوشش و حجاب، جایگاه‌والایی در مباحث روز دنیا و در فرایند جهانی شدن و پست مدرنیته دارد. به طوری که مرزهای بین شرق و غرب را در هم نوردیده است. بنابراین مسأله‌ی حجاب و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آن به عنوان یک دغدغه‌ی اخیر، لزوم حل و سامان یافتن آن بیش از پیش احساس می‌شود (khoushkhoei et al, 2013). عدم توجه به مسأله‌ی بدحجابی با خود پیامدهای اجتماعی زیادی به همراه دارد که زمینه‌ساز برخی از انحرافات اجتماعی می‌شود. در هر فرهنگی برخی از عناصر حالت ویژه‌ای پیدا کرده و به نمادی آشکار برای آن فرهنگ تبدیل می‌شوند (Fazellyan, 2010).

به عقیده‌ی برخی از صاحب نظران، کاهش حجاب در جامعه عوارض و پیامدهای اجتماعی از قبیل فساد و فحشا، اضمحلال خانواده و نیز پیامدهای روانی و فرهنگی دیگری به همراه خواهد داشت (Mohammadi, 2005).

در این تحقیق تلاش شده است تا عوامل اجتماعی گرایش زنان به مقوله‌ی حجاب در شهرستان لالی مورد بررسی قرار گیرد.

تا مشخص شود که کدام عوامل اجتماعی بر نگرش زنان ۱۸ تا ۳۲ سال به رعایت حجاب در شهرستان لالی تأثیرگذار است.

- رجبی (2013) در تحقیق خود که با عنوان بررسی میزان رعایت حجاب برتر در دانشجویان و تأثیر آن بر شادکامی به این نتیجه رسید که ۲۱/۱ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های آزاد، پیام نور و دانشگاه محقق اردبیلی، حجاب برتر را رعایت می‌کنند، ۶۷ درصد دارای حجاب نسبی هستند و ۱۱/۹ درصد بدحجاب بوده‌اند (Rajjabi, 2010).

- شارع پور و همکاران (2013) در تحقیقی تحت عنوان تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب، بیان داشتند حجاب در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که در آن چارچوب مسائل زنان دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین مؤلفه‌های مذهبی، معنوی، منزلتی، شخصیتی و رفتاری است که از پارادایم و منظرهای مختلف قابل بررسی است. نتایج تحلیل مسیر و رگرسیون چند متغیره نشان داد که مهمترین متغیر مؤثر بر گرایش به حجاب، متغیر گرایش به فمینیسم بوده است. سایر متغیرهای مؤثر به ترتیب عبارتند از: عوامل محرک اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، سبک زندگی و محل سکونت (Shsree pour et al, 2011).

- فیاض (2008) در مقاله‌ی ای با عنوان «حجاب ریشه در تاریخ کهن ایران دارد» به بررسی حجاب پرداخته و بعد از این که درباره‌ی پوشش، از گذشته‌های دور واکاوی می‌کند، این گونه نتیجه می‌گیرد که حجاب ریشه در فطرت انسان داشته و ادیان تنها مهر تأیید بر آن زده‌اند (Fayyaz, 2007).

- قانع (1994) به نقل از رهنما و همکاران (۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «حجاب و پوشش در تاریخ معنویت بشر قبل از اسلام» به بحث تاریخی درباره‌ی پوشش پرداخته و با مطالعه درباره‌ی انسان‌های اولیه نشان داده است که در تمام طول تاریخ، زنان پوشش بیشتری نسبت به مردان داشته‌اند. او سپس بیان می‌دارد که حجاب جنبه فطری داشته و انبیاء با وضع حجاب به ندای فطرت بانوان پاسخ گفته و سلاح دفاعی آن‌ها را تقویت نموده‌اند (Rahnama, 2015).

- خرقانی (2006) به نقل از رهنما و همکاران (۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه‌ی حجاب و پوشش در ادیان مختلف» به بررسی ریشه و منشأ حجاب و تاریخچه‌ی آن از آدم تا خاتم و حتی در میان ادیان غیرتوحیدی و از جوامع بدوی تا جوامع متمدن می‌پردازد. او معتقد است که حجاب همیشه وجود داشته و گاه به صورت دستور دینی و گاه به عنوان جزئی از فرهنگ اجتماعی رعایت می‌شده است (Same source).

رجالی و همکاران (2013) در پژوهش خود با عنوان «نگرش دانشجویان دختر دانشکده دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش و برخی عوامل مؤثر به آن» به این نتیجه رسیدند که ۱۹/۱ درصد از دانشجویان با حجاب موافق، ۱۹/۱ مخالف و ۶۱/۶ درصد نظر بینابینی داشتند. بین متغیرهایی مانند رشته‌ی تحصیلی دانشجویان، واحدهای گذرانیده شده و وضعیت تأهل دانشجویان با نگرش آنان نسبت به حجاب و پوشش، رابطه‌ی آماری معنی‌داری دیده نشد؛ درحالی‌که رابطه‌ی بین ترم تحصیلی و وضعیت سکونت دانشجویان با نگرش آن‌ها به حجاب معنی دار بود (Rejalli et al, 2012).

حبیبی (2011) در مطالعه‌ای به بررسی دیدگاه جوانان و میانسالان درباره‌ی حجاب برتر پرداخته است. یافته‌ها بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه جوانان و میانسالان درباره‌ی ضرورت رعایت حجاب از سوی بانوان، میزان آشنایی با شرایط پوشش صحیح اسلامی و بهترین نوع پوشش برای بانوان بوده است (Habibi, 2010).

یافته‌های پژوهش خواجه نوری و همکاران (به نقل از احمدی، 2013) حاکی از آن است که رابطه‌ی معنادار مثبتی میان هویت مذهبی و سبک زندگی^۱ مذهبی با گرایش به حجاب وجود دارد. هم‌چنین متغیرهای تصور از بدن، مدیریت بدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، فعالیت‌های ورزشی- موسیقیایی مدرن، سبک مشارکتی جدید و سبک‌های فراغتی جدید رابطه‌ی منفی با گرایش به حجاب داشته‌اند (Khaje noori, 2010 narrated by Ahmmadi, 2010).

جهاد دانشگاهی تهران در پژوهشی با عنوان «نگرش زنان تهرانی نسبت به حجاب» با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، ابعاد مختلف نگرشی را از جمله بعد اعتقادی و رفتاری را بر روی یک نمونه‌ی ۹۹۱ نفری سنجیده است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش عبارتند از: ۹/۹ درصد بی‌اعتقاد به حجاب و ۷۳/۷ درصد از پاسخ‌گویان معتقد به حجاب، ۱۶/۳ درصد حد متوسط به حجاب اعتقاد داشتند. هم‌چنین محققانی چون، رستگارخالد و همکارانش (2012) محمدی (2015) حبیبی (2010)،

خواجه نوری و همکاران (2012)، مؤمنی و همکاران (2010) در زمینه‌ی نگرش اجتماعی زنان به مقوله‌ی حجاب به مطالعه پرداخته‌اند.

مهتا (Mahta, 2010) در مطالعه‌ای تأثیر عمیق رسانه‌های مدرن بر روی زنان مسلمان دهلی را در طول ۳۰ سال مؤثر دانسته است. یافته‌های تحقیق نشان دهنده‌ی این واقعیت است که زنان مسلمان، مفروضات سنتی مصرف رسانه‌ای را کاملاً تغییر داده و سبک زندگی و الگوهای اندیشیده شده از خود را بازبینی کرده‌اند. خیابانی و ویلیامسون (Williamsoun, 2008) در مطالعه‌ی ای نشان دادند که رسانه‌های بریتانیایی، انواع حجاب رایج در بین زنان مسلمان را به صورت یکسان بازنمایی و حجاب را به عنوان مانعی برای ارتباطات معنی‌دار ارائه می‌کنند. از نظر آن‌ها، زنان باحجاب به عنوان افرادی بی مقدار به شمار می‌آیند که در همانند شدن با جامعه‌ی میزبان شکست خورده‌اند و خطری مضاعف برای سبک‌های زندگی انگلیسی به شمار می‌روند.

تارلو (Tarilo, 2007) در مطالعه‌ی خود در پی بررسی اهمیت لباس و پوشش به عنوان شاخصی آشکار از تمایز در شهر چندفرهنگی لندن بوده است. وی معتقد است که انتخاب حجاب از سوی زنان طبقه‌ی متوسط مسلمان، اغلب به عنوان کالا نگرسته می‌شود، نه به عنوان پس زمینه‌ی فرهنگی آن‌ها. تارلو در تحقیق خود، پتانسیل انتقالی حجاب را بررسی کرده و معتقد است که حجاب، تأثیر معنی‌دار اجتماعی بر روی دیگران دارد.

پژوهشی در بین دختران بنگلادشی نشان داد، دخترانی که لباس‌های سنتی و مذهبی را بر لباس‌های غربی ترجیح می‌دهند، کمتر مستعد مشکلات روانی در زندگی آینده هستند. پوشش، مؤلفه‌ی لازم در هویت فردی است و نوع پوشش انتخابی توسط دختران، اثرات دراز مدتی بر بهزیستی آنها دارد. تحقیق انجام شده روی ۳۸۴ دانشجو نشان داد که ۸۳٪ حجاب را موجب امنیت و سلامت جامعه دانسته‌اند. از آن جایی که، حجاب نوعی رفتار تلقی می‌شود و از دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، جامعه‌پذیری آن تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند خانواده، همسالان، نهاد-های اجتماعی و ارتباطی صورت می‌گیرد؛ لذا، بدکارکردی آن، می‌تواند منجر به آسیب‌پذیری فرآیند حجاب در سطح جامعه شود. اما علی‌رغم نقش محوری حجاب در پیشگیری از بروز و گسترش آسیب‌پذیری‌ها، تحقیقات میدانی کمتری در این حوزه انجام شده است. هم‌چنین کارکردهای مهم حجاب از دید زنان مسلمان ایالات متحده، عامل‌های هویت دینی، کنترل رفتار، ایجاد ارتباطات نزدیک خانوادگی، قابلیت احترام بیشتر و ایجاد آزادی هستند (Mahta, 2010).

رابینسون (2003، به نقل از مولایی و همکاران، 2013)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر حجاب بر مدیریت بدن» به این نتیجه رسیده است که زنان بیشتر از آن لباس‌هایی می‌پوشند که رضایت

دارند به نمایش بگذارند. هم‌چنین شیوه‌ی پوشش با وضعیت تأهل و سن در رابطه است (Rabinsoun, 2013 narrated by Mollaei et al., 2012).

کیلیک بای و بینارک (2012) معتقدند که اگرچه در گفتمان نشریات اسلامی موجود در ترکیه عامل اجتماعی مدگرایی و مد حجاب با از دست دادن ایمان مذهبی و اصول اسلامی یکسان انگاشته می‌شود، اما پیشرفت تبلیغات مد نشان دهنده‌ی این است که چگونه زنان اجتماعات اسلامی از طریق تبلیغات مربوط به مد، حجاب به منظور متمایز شدن از زنانی که حجاب سنتی دارند و آن‌هایی که حجاب ندارند به استقرار مجدد هویتشان فراخوانده می‌شوند (Cillhckbuy and Beinark, 2012).

گزینش عقلانی^۱ (محاسبه سود و زیان): بر اساس این نظریه، کج روی رهاورد گزینش و انتخاب فرد است. افراد به کج روی دست می‌زنند، چون خود چنین می‌خواهند (Keraieb, 2010). انتخابی که امکان آن هر چند با نسبت‌های مختلف، برای همه‌ی افراد وجود دارد. این نظریه، هر چند اثرپذیری رفتار از علل پیرامونی و عوامل محیطی را نفی نمی‌کند، ولی در نهایت، فاعل کنش را مسئول اصلی این انتخاب می‌داند. افراد با انجام محاسبه‌های خاص، از میان رفتار کج روانه و رفتار مقابل آن، رفتاری را بر رفتار دومی ترجیح می‌دهد و به آن دست می‌بایند (Nik bakhsh, 2010). با این نگاه جامعه‌شناختی، میزان گرایش به حجاب و پوشش، به خصوص از سوی زنان بخش عمده‌ای متأثر از رفتار اجتماعی آنان همسو با ارزش‌ها و هنجارهای رایج جامعه است که کاملاً در قالب نظریه‌ی گزینش عقلانی قابل ترسیم و پیاده‌سازی است. هر چند که به نظر می‌رسد در محیط سنتی و کم جمعیت شهرستان لالی به خاطر حاکم بودن نوع رفتارهای محلی و سنتی، این رفتار اجتماعی و فرهنگی از یک شق سومی تحت عنوان پایبندی به سنت‌های رایج به‌خاطر فرار از تله‌ای تحت عنوان «انگ زنی^۲» یا برچسب زدن پیروی خواهد کرد (Giddenz, 2010).

نظریه‌ی خرده فرهنگ‌ها^۳: بر اساس این نظریه، تعلق فرد به یک خرده فرهنگ ناهمگون با فرهنگ غالب، به ویژه اگر با رضایت‌مندی همراه باشد و فرد از رهگذر این هم‌نوایی، به پاداش‌های روانی دست یابد، رفته رفته سبب می‌شود فرد از التزام به اقتضاهای فرهنگ غالب چشم‌پوشد. در صورتی که فرد بتواند فشار سنگین ناشی از تقابل میان اقتضاهای ناهمخوان این دو جریان فرهنگی را تحمل کند و برای آن توجیه کافی داشته باشد، به احتمال بسیار، تقاضای خرده فرهنگ یاد شده را به زیان فرهنگ غالب، اجابت و از ایفای الزامات شهروندی شانه خالی خواهد کرد. کلوارد و

1 -Rational selection

2 -fingers

3 -Sub-culture

اوهلین^۱ یادآور می‌شوند که دست یازیدن نوجوانان بزه کار به رفتارهای کج روانه ممکن است برای آنان نوعی توفیق اجتماعی را در پی داشته باشد (Nik bakhsh, 2014). مطابق دیدگاه هیرشی^۲، اگر میزان تعلقات و پایبندی افراد به ارزش‌های دینی بیشتر باشد، به همین میزان انحرافات اجتماعی نظیر بی‌حجابی کاهش می‌یابد. بنابراین آمادگی ذهنی در پذیرش یا عدم پذیرش مقوله‌ی حجاب، فرد را طبق این دیدگاه، با ارزش‌های دینی و اجتماعی حجاب هم‌سو یا غیر هم‌سو خواهد ساخت که در صورت هم‌سویی، هم‌نواایی کامل بین پذیرش ارزش‌های دینی و اجتماعی جامعه و سطح تعلقات فردی شکل خواهد گرفت. پس با این تعاریف، نوع نگاه و نگرش به حجاب در جامعه آماری مورد نظر در آمادگی پذیرش اجتماعی هم‌نوا با ارزش‌های جمعی قابل کنترل و شناسایی است. طبق نظر اندیشمندان کلاسیک، ظرفیت‌های فکری و اخلاقی زنان در این زمینه متفاوت از مردان است (Jallaiepour, 2012) هم‌چنین سیدمن (Sideman, 2009) بیان می‌دارد تا زمانی که زندگی زنان بر مراقبت از خانه و خانواده متمرکز است، تجربیاتشان حول آن تجربه‌ی خاص شکل می‌گیرد. تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی^۳: انحراف اجتماعی مورد تبیین‌های مختلفی قرار گرفته است از قبیل: تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست‌شناختی محور اصلی موضوع، ویژگی‌های بیولوژی و زیست‌شناسی فرد منحرف است که در آن ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کج‌رو مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد (Nik bakhsh, 2014). در تبیین روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه‌ی تفکر و احساس درباره‌ی رفتار خویش تأکید می‌شود (Same source).

رویکرد کارکرد گرا^۴: این دیدگاه بر حسب پیامدهای سودمند که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌شود (Litell, 1994). برای مثال اگر سؤال شود که چرا در هر جامعه‌ای با وجود سیاست‌های کنترلی میزانی از انحراف از هنجارهای اجتماعی به چشم می‌خورد، گفته می‌شود که به طور اساسی وجود میزانی از انحراف و هنجار شکنی در جامعه برای حیات و بقای آن مطلوب و حتی ضروری است؛ چرا که انحراف و هنجار شکنی موجب می‌شود که هنجارهای اجتماعی از حالت اجمال و ابهام به درآیند و وضوح و روشنی بیشتری برای آحاد جامعه پیدا نمایند و این امر وفاق بر سر هنجارها را که اساس انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سهل‌تر می‌سازد.

1 Cooloward and ohllaen

2- haeirchei

3- Social deviation

4 -functionalism

رویکرد ساختارگرا^۱: بر حسب رویکرد ساختارگرا، شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای پیش‌بینی پذیر اوصاف ساختاری جامعه تبیین می‌کنند (Same source). به عنوان نمونه در مقام پاسخ به این سؤال که چرا در جامعه‌ی ما با وجود مقبولیت عام، یک سری ارزش‌های عام اخلاقی در باب روابط مرد و زن، انحراف اجتماعی در این زمینه با درجات مختلف به چشم می‌خورد؟ اگر پاسخ داده شود که چون ساختار اقتصادی کشور موجب شده که افراد توانایی لازم برای تأمین حداقل امکانات برای تشکیل خانواده را نداشته باشند و به همین جهت از راه‌های خلاف هنجارهای اجتماعی به تأمین نیازهای غریزی خود روی می‌آورند، در واقع تبیینی ساختاری از این پدیده به دست آمده است.

رویکرد عرضه و تقاضا: اهمیت رویکرد گزینش عاقلانه در حوزه‌ی تبیین‌های خرد از رفتار منحرفانه در این است که اساس و مبنای نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است. یکی از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین این موارد، رویکردی است که رابطه‌ی منحرفانه و کج‌روانه را به صورت بازار عرضه و تقاضا تصویر می‌کند و فرد کج‌رو را در جایگاه «عرضه‌کننده» می‌نماید. بنابراین برای کنترل روند انحرافات، باید بالا بردن هزینه‌ی جرم از طریق تقویت بازدارنده‌ها، مثل مجازات بزهکار، پلیس و نظام جزایی را در دستور کار قرار داد.

اما روایت جدیدتر تقریر «ون دیک» (Wan dice, 2013) به نقل از قنبری (2014) از این رویکرد است. وی فرد منحرف و آسیب‌ساز را شاخص بخش «تقاضا» و بزه دیده (کسی که از رفتار انحرافی^۲ آسیب می‌بیند) را شاخص بخش «عرضه» قلمداد می‌کند؛ بدین معنا که آنچه فاعل حقیقی کج‌روی در بازار جرم و کج‌روی دارد، صرفاً آمادگی و انگیزه و گاه ابزار لازم برای این کار است.

تعاریف مفهومی^۳

حجاب: واژه‌ی حجاب در فرهنگ فارسی در سه معنا به کار رفته است: ۱- پرده و ستر؛ ۲- نقابی که زنان چهره‌ی خود را پوشانند؛ ۳- چادری که زنان سرتاپای خود را بدان پوشانند

1 - structure

2- Deviant behavior

3-Conceptual definitions

(Moein, 1963) حجاب در اصطلاح، پوششی است که اعضای بدن زن را به طور معمول و اعضایی از بدن را که زنده می‌نماید، بپوشاند و مطابق با دستورات دین اسلام باشد (Fazelyan, 2010).

به زعم استاد شهید مطهری، واژه‌ی «حجاب» از نظر لغوی به معنای پوشیدن، پرده و پردگی است که استعمال آن دربارهی «پوشش زن»، در عصر حاضر شایع شده است و در واقع اصطلاح رایج فقهی، یعنی کلمه «ستر»، به معنی «پوشش» است که در مورد پوشش زن در هنگام نماز و غیرنماز استفاده شده و تنها آیه‌ای که در آن واژه‌ی «حجاب» به کار رفته است، آیه‌ی ۵۳ از سوره‌ی احزاب می‌باشد. در کتب لغت فارسی نیز برای واژه‌ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را به آن می‌پوشانند، روی‌بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می‌پوشانند» (Ammeid, 1988) آمده است. قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه‌ی پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب»؛ از خمار در آیه‌ی سوره‌ی نور سخن گفته شده است: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور، ۳۰)

عفاف، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می‌شود؛ نه پرده‌داری می‌کند و نه گرفتار خمودی می‌شود. «عفاف آن است که نیروی شهوت مطیع عقل باشد تا تصرف او به اقتضای رأی او بود و اثر خیریت در او ظاهر شود و از تعبد هوای نفس و استخدام لذات فارغ» (Sajjadi, 1984). «عفت به معنای مناعت است در شرح آن گفته‌اند: حالت نفسانی است که از غلبه‌ی شهوت باز دارد. پس باید عقیف به معنای خود نگهدار و با مناعت باشد» (Gharashi, 2005). «حجاب یعنی پوشش و حجاب درون انسان، یعنی آن چه که بین قلب و سایر آن حائل می‌شود» (Joharei, 2005). چنان که ابن منظور نیز در لسان العرب، حجاب را به معنای ستر دانسته و گفته است: «الحجاب الستر... حجه: ستره وامرأه محجوبه قد سترت بستر» می‌گردد (Shojaei, 2006).

گرایش! اصطلاح گرایش از نظر روان‌شناسان معانی متفاوتی دارد. گرایش، بیشتر به جنبه‌های ذهنی و روانی فرد اطلاق می‌شود. هر چند آمادگی برای عمل با پاسخ دادن به یک محرک در فرد وجود دارد. از جمله تعاریف مشخص برای این مفهوم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گرایش به ترکیبی از شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را گرایش نسبت به آن چیز می‌گویند یا گرایش یک حالت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه‌ی سازمان یافته و تأثیری هدایتی بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه‌ی اشیا یا موقعیت‌ها که به فرد مربوط می‌شود، دارد (Karimey, 1994).

تعریف عملیاتی^۱ متغیر وابسته

مؤلفه‌های گرایش به حجاب زنان (Shareepour et al., 2012) این مؤلفه‌ها به ترتیب عبارتند از: چادر، مانتو و مقنعه، پوشش غیر چسبان، چادر و مقنعه بدون آرایش، پوشش همراه با آرایش غلیظ، آرایش غلیظ همراه با لاک ناخن، پوشش نازک و چسبان و نهایتاً پوشش سر با شال و کلاه بوده است.

۱- سطح تحصیلات: میزان تحصیلات فرد نمونه بر اساس چهار طبقه‌بندی تا دیپلم، فوق دیپلم ، لیسانس و فوق لیسانس به بالا

۲- سن: با توجه به این که جامعه آماری ، زنان ۱۸-۳۲ ساله شهرستان لالی بوده بنابراین سه شاخص و طبق‌بندی به عمل آمد. گروه سنی اول (۱۸-۲۲)، گروه سنی دوم (۲۳-۲۷) و گروه سنی سوم (۲۸-۳۲) بوده است.

۳- شغل: عبارت است از فعالیتی که افراد در طول زندگی انجام می‌دهند. این فعالیت، منبع درآمد آن‌ها به حساب آمده که در طول این پژوهش، با پرسش مستقیم به صورت سؤال باز و سطح سنجش اسمی سنجیده شده است.

۴- رسانه‌های جمعی: عوامل محرک اجتماعی که شامل ماهواره، اینترنت، فیلم‌های مبتذل، رواج فرهنگ غربی، دوستان ناباب، شکاف نسلی، روابط اجتماعی باز، مدگرایی و قانون‌گریزی است.

۵- دینداری^۲: (Gellark and Stark, 1965) که در سه بعد اعتقادی (یقین، تعقل، توحید و دوستی با خدا)، اخلاقی (صبر، تقوا، حلم، شرم و حیا، راستگویی و پارسایی)، رفتاری (خواندن نماز، روزه، تلاوت قرآن، حسن خلق، رازداری، امانت داری و نیکو کاری) سنجیده شده است.

۶- تربیت خانوادگی: عبارت است از پرورش احساسات و عواطف، ابراز محبت، مقایسه فرزند با دیگران، تشویق و تحسین، حفظ حریم خانواده، انعطاف‌پذیری در محیط خانواده، علاقه‌مند به پیشرفت و ترقی فرزندان و تقویت روحیه‌ی مشارکتی افراد (Womens message magazine, 2006). بنابراین فرضیات تحقیق بدین صورت ارائه می‌گردد:

- بین سن، وضعیت تحصیلی و میزان گرایش به حجاب در زنان تفاوت وجود دارد.

- بین میزان دینداری و نگرش به رعایت حجاب رابطه وجود دارد.

- بین شغل و نگرش به رعایت حجاب رابطه وجود دارد.

1- Operational definitions

2- religiosity

- بین تربیت خانواده و نگرش به رعایت حجاب رابطه وجود دارد.

- بین میزان استفاده از رسانه‌های گروهی^۱ و نگرش به رعایت حجاب رابطه وجود دارد.



نمودار شماره ۱- ترسیم مدل نظری تحقیق

روش، جامعه و نمونه‌ی آماری پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، روش مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع توصیفی و پیمایشی است. سطح تحلیل تحقیق نیز سطح فردی است که در آن زنان مقیم شهرستان لالی به عنوان جامعه آماری مورد تحلیل قرار گرفته اند؛ یعنی در واقع با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند و بر حسب فرمول کوکران^۲ تعداد ۳۰۰ نفر از زنان ۱۸-۳۲ ساله از بین جامعه‌ی هدف گزینش و انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه تنظیمی بر اساس طیف لیکرت است که پس از تعیین روایی و پایایی در اختیار پاسخ‌گویان قرار گرفته شده است. پرسش‌نامه طرح شده حاوی سؤالات باز و بسته بوده است. سؤالات باز که در قسمت اول پرسش‌نامه آمده، مربوط به اطلاعات شخصی افراد نظیر: سن، وضعیت تأهل، درآمد، تحصیلات و پایگاه اجتماعی^۳ افراد است. قسمت دوم پرسش‌نامه مربوط به سؤالات بسته است که برای گویه‌های آن از طیف لیکرت استفاده شده است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی و با توجه به پارامتریک و رابطه‌ای بودن سطح

^۱ -Mass media

^۲ - Cochran test

^۳ Social state

فرضیات (فرضیه‌ی دوم تا پنجم)، از آزمون‌هایی نظیر: ضریب هم‌بستگی پیرسون و آزمون رگرسیون دو متغیره استفاده شده است. هم‌چنین جهت فرضیه‌ی اول (سه متغیره) که یک فرضیه‌ی تفاوتی و پارامتریک بود از آزمون آماری تحلیل واریانس دو طرفه بین آزمودنی‌ها استفاده گردید. واحد تحلیل این پژوهش به صورت تطبیقی بوده و در بین زنان ۱۸-۳۲ ساله (بیشتر ساکن منازل) در سطح خرد و فردی بررسی شده و اطلاعات لازم در این سطح از افراد جمع‌آوری شده است، زیرا باید رابطه‌ی عوامل اجتماعی و نگرش به مقوله‌ی حجاب در هر فرد مورد بررسی قرار گیرد. برای ارزیابی اعتبار پرسش‌نامه از شیوه‌ی اصلی اعتبار محتوا و اعتبار سازه می‌توان سود جست. با بیان نحوه‌ی تعریف مفهوم و ذکر این‌که این سنجه‌ها ظاهراً آن مفهوم را در برمی‌گیرد، سنجه‌ها را به سایر محققینی که هیأت‌داوران خوانده می‌شوند عرضه کرد و نظر آن‌ها را جویا شد که این نوع اعتبار، اعتبار صوری است. (Doos, 2006) در این پژوهش برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین منظور آلفای کرونباخ گویه‌هایی که یک سازه را مورد بررسی قرار می‌دهند. هم‌چنان‌که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، محاسبه و پس از آن مشخص گردید که هر یک از متغیرها، دارای مقدار آلفای قابل قبولی هستند.

جدول شماره ۱- پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

مقدار آلفا	تعداد سؤالات	سؤالات هر متغیر	متغیر
۰/۸۰	۶	۱-۶	نگرش به حجاب
۰/۷۴۴	۵	۷-۱۱	پایگاه اجتماعی
۰/۸۳۳	۶	۸-۱۳	سطح دینداری
۰/۶۵	۶	۱۴-۱۹	تربیت خانوادگی
۰/۸۱۲	۵	۲۰-۲۴	تاثیر رسانه‌های گروهی

یافته های پژوهش

طبق یافته‌های تحقیق از میان ۳۰۰ نفر پاسخ‌گویان، دامنه‌ی سنی در گروه نمونه، بین ۱۸-۳۲ سال بوده که بیشترین جمعیت سنی ۱۳۲ نفر (۰/۴۴) مربوط به گروه سنی ۱۸-۲۲ ساله و کمترین تعداد مربوط به گروه سنی ۲۸-۳۲ سال، یعنی ۷۵ نفر معادل (۰/۲۵) بوده است. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۳/۳۲ می‌باشد. بیشترین درصد پاسخ‌گویان، ۱۰۷ نفر (۳۵/۶) دارای مدرک تا دیپلم و کمترین درصد پاسخ‌گویان بر حسب وضعیت تحصیلی، ۲۵ نفر (۰/۸) مربوط به پاسخ‌گویان فوق لیسانس بوده است. طبق آمار به‌دست آمده ۱۶۲ نفر پاسخ‌گویان متأهل (۰/۵۴) و ۱۳۸ نفر (۰/۴۶) مجرد بوده‌اند. بالاترین میانگین گرایش به حجاب (۶/۱۴۲) از بین یک طیف یازده‌گانه در بین افراد تا دیپلم و متأهل و کمترین میزان گرایش به حجاب (۴/۳۲) را پاسخ‌گویان مجرد با تحصیلات لیسانس و بالاتر به خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه تعامل بین سن و گروه تحصیلی معنی‌دار خواهد بود، چون دو متغیر گروه تحصیلی و جنس به طور مشترک ۱۱ درصد واریانس متغیر وابسته‌ی گرایش به حجاب را تبیین می‌کنند. در سطح اشتغال ۶۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته-ی نگرش به حجاب توسط متغیر شغل و ۷۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر نوع تربیت خانوادگی پوشش داده می‌شود.

آزمون فرضیات

آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش بر اساس آزمون تحلیل واریانس دو طرفه بین آزمودنی‌ها

فرضیه‌ی اول: بین سن، سطح تحصیلات و میزان گرایش به حجاب در زنان تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۲- نتایج اثرات اصلی و تعاملی

منابع	تیپ سه گانه مجموع مجدورات ^۱	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F مقدار	سطح معناداری	مقدار مجدورات جزیی ضرب اتا ^۲
مدل تصحیح شده	۱/۳۸۳	۵	۱/۲۷۷	۱/۳۷۲	۱/۸۶۰	۱/۱۱۷
رهگیری	۷۰/۰۰۴	۱	۷۰/۷۰۰۴	۹۲,۳۲۵	۱/۴۲۶	۱/۶۷۰
گروه	۱/۵۷۳	۲	۱/۲۸۷	۱/۳۸۵	۱/۰۱۲	۱/۰۴۲.

^۱ Typ sum of squares

^۲ Partial eta squared

سن	۱	۱/۶۱۲	۱/۶۱۲	۱/۸۲۳	۱/۲۱۲	۱/۰۳۲
گروه * سن	۲	۱/۰۴۸	۱/۰۲۴	۱/۰۳۲	۱/۰۳۲	۱/۰۰۲
خطا	۱۴	۱۰/۴۱۷	۱/۷۴۴			
کل	۲۰	۸۴/۰۰۰				
کل تصحیح شده	۱۹	۱۱/۸۰۰				

طبق جدول شماره‌ی (۲) نشان می‌دهد که اثرات متغیر گروه تحصیلی که کوچکتر از ۰/۰۵ و معنی‌دار است و اثرات متغیر سن به خاطر بزرگتر بودن از سطح معناداری ۰/۰۵ معنی‌دار نخواهد بود. در نتیجه تعامل بین سن و گروه تحصیلی معنی‌دار خواهد بود. در پایین جدول ضرایب تعیین نشان می‌دهد که دو متغیر گروه تحصیلی و جنس به طور مشترک ۶۱ درصد واریانس متغیر وابسته گرایش به حجاب را تبیین می‌کنند. بنابراین فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌گردد و میانگین گرایش به حجاب بر حسب سن و گروه تحصیلی متفاوت است. همچنین آزمون لون^۱ سطح معنی‌داری کوچکتر از ۰/۰۵ و واریانس خطای دو گروه برابر است. بنابراین تفاوتی بین این گروه‌ها مشاهده می‌شود. آزمون توکی، نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان با مدرک دیپلم بالاترین میانگین گرایش به حجاب و افراد فوق لیسانس، کمترین میزان گرایش به حجاب را دارند. بنابراین به جز ارتباط بین گزینه‌ی لیسانس و فوق لیسانس به خاطر بزرگتر بودن سطح معناداری (۰/۴۱۲) از مقدار (۰/۰۵) بین بقیه‌ی گزینه‌ها به شکل منفی و مثبت رابطه وجود دارد.

آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش بر اساس آزمون رگرسیون خطی ساده یا دو متغیره^۲

فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد بین شغل زنان با میزان گرایش به حجاب رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۳- میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیر استاندارد

مدل	ضرایب غیر استاندارد ^۲		ضرایب استاندارد ^۴	T آماره	سطح معناداری.
	B مقدار	خطای معیار	مقدار بتا		

¹ Levenes test

² Simple linear regression

³ - Unstandardized coefficients

⁴ -standardized coefficients

مقدار	۳/۶۳۹	۱/۱۸۹	۱/۳۴۶	۱/۰۰۰
ثابت			۱۶	
شغل	۱/۰۸۹	۱/۹۵	۱/۲۴۲	۱/۰۰۵

طبق جدول شماره ۳ (۳)، میزان ضریب تأثیر استاندارد شده و استاندارد نشده را نشان می‌دهد. در ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده، بتای متغیر شغل در پیش بینی متغیر نگرش به حجاب به اندازه ۲۴/۲ می‌باشد. به بیان دیگر ضریب رگرسیون استاندارد شده برای متغیر پایگاه اجتماعی برابر ۲۴۲/۰ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است و با افزایش یک واحد تغییر انحراف استاندارد در متغیر شغل، میزان نگرش به اعتیاد به مقدار ۲۴۲/۰ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. آماره T اهمیت متغیر شغل در مدل رگرسیون را نشان می‌دهد. معمولاً هر گاه قدر مطلق مقدار این آماره بزرگتر از ۳۲/۲ باشد، سطح خطای آن نیز کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و در نتیجه خواهیم گفت که متغیر شغل تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین متغیر وابسته‌ی نگرش به حجاب دارد. نتیجتاً فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی بین شغل زنان و نگرش آنان به حجاب، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

آزمون فرضیه‌ی سوم پژوهش بر اساس آزمون رگرسیون خطی ساده یا دو متغیره
فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد بین تربیت خانوادگی زنان با میزان گرایش به حجاب رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴ - میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیر استاندارد

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	T آماره	سطح معنی داری
	B مقدار	خطای معیار	بتا		
مقدار ثابت	۶/۳۲	۱/۱۲۲		۱/۲۵۳	۱/۰۰۰
تربیت خانوادگی	۱/۲۳	۱/۳۴	۱/۳۱۲	۱/۷۴۲	۱/۰۰۰

با توجه به جدول شماره ۴ (۴)، میزان ضریب تأثیر استاندارد شده و استاندارد نشده را نشان می‌دهد. در ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده، بتای متغیر تربیت خانوادگی در پیش‌بینی متغیر

۳۸۰ تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش به حجاب (مطالعه‌ی موردی: گرایش به حجاب در بین زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله شهرستان لالی)

نگرش به حجاب به اندازه ۰/۳۱ می باشد. به بیان دیگر ضریب رگرسیون استاندارد شده برای متغیر پایگاه اجتماعی برابر ۰/۳۱۲ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی دار است و با افزایش یک واحد تغییر انحراف استاندارد در متغیر پایگاه اجتماعی، میزان نگرش به اعتیاد به مقدار ۰/۳۱۲ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

(تربیت خانوادگی) $۶,۳۲+۱,۲۳$ = نگرش به حجاب
 خانوادگی) ۳۱۲ = نگرش به حجاب

آماره‌ی T اهمیت متغیر تربیت خانوادگی در مدل رگرسیون را نشان می‌دهد. معمولاً هرگاه قدر مطلق مقدار این آماره بزرگ‌تر از $۳۲/۲$ باشد، سطح خطای آن نیز کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و در نتیجه خواهیم گفت که متغیر تربیت خانوادگی تأثیر آماری معنی داری در تبیین متغیر وابسته‌ی نگرش به حجاب دارد. نتیجتاً فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه‌ی چهارم پژوهش بر اساس آزمون همبستگی پیرسون فرضیه: بین سابقه‌ی خدمت و میزان درآمد کارکنان ارتباط وجود دارد.

جدول شماره ۵- همبستگی^۱ بین دینداری و گرایش به حجاب

عنوان	نگرش به حجاب	سطح دینداری
همبستگی پیرسون	۰/۶۸۹	۰/۶۸۹
نگرش به حجاب	سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۰۱۴
	تعداد	۱۲۰
همبستگی پیرسون	۰/۶۸۹	۰/۶۸۹
سطح دینداری	سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۰۱۴
	تعداد	۱۲۰

طبق جدول شماره‌ی (۵) و بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، بین سطح دینداری و گرایش به حجاب، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. فرضیه‌ی پژوهش با ۰/۹۵ اطمینان تأیید می‌شود. جهت رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است، به این معنی که با افزایش سطح دینداری، نگرش به حجاب در بین زنان افزایش می‌یابد. مقدار همبستگی برابر با ۰/۶۸۹ است. که بالاتر از ۰/۵۰ و در حد قابل قبول ارزیابی می‌شود. بنابراین در این فرضیه: بین سطح دینداری و نگرش به حجاب در بین زنان رابطه وجود دارد و فرضیه تأیید می‌گردد.

¹- Pearson correlation coefficient

آزمون فرضیه‌ی پنجم پژوهش بر اساس آزمون همبستگی پیرسون:

فرضیه‌ی پنجم: بین تأثیر رسانه‌های گروهی بر نگرش به رعایت به حجاب در بین زنان ارتباط وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۶- همبستگی پیرسون بین تأثیر رسانه‌های گروهی بر نگرش به حجاب

رسانه‌های گروهی	نگرش به حجاب	عنوان
۳۲۵	۳۲۵	همبستگی پیرسون
۵۱۲		سطح معناداری (دو دامنه)
۱۲۰	۱۲۰	تعداد
۳۲۵	۳۲۵	همبستگی پیرسون
۵۱۲		سطح معناداری (دو دامنه)
۱۲۰	۱۲۰	تعداد

طبق جدول شماره‌ی (۶) و بر اساس آزمون همبستگی پیرسون بین میزان تأثیر رسانه‌های گروهی و گرایش به حجاب، سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است. فرضیه‌ی پژوهش با این سطح اطمینان رد می‌شود. مقدار همبستگی برابر با ۰/۳۲۵ است. که کوچک‌تر از ۰/۵۰ و در حد ضعیف ارزیابی می‌شود. بنابراین در این فرضیه بین رسانه‌های گروهی و نگرش به حجاب زنان رابطه وجود ندارد و فرضیه‌ی تحقیق رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه مقوله‌ی حجاب و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن به عنوان یک پدیده‌ی مطرح مورد توجه جامعه‌شناسان و متولیان امر فرهنگ قرار گرفته است. این که چه عامل یا عوامل اجتماعی بیشترین و کمترین تأثیر را در مقوله‌ی حجاب به جای می‌گذارد، بر حسب نتایجی که در این تحقیق خواهد آمد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به سبب این که عامل حجاب و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در زمینه و بستر اجتماعات بشری، شکل و نمو پیدا می‌کند. در این پژوهش تلاش شده است تا برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به مقوله‌ی حجاب در بین گروه سنی ۱۸-۳۲ ساله شهرستان لالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طبق تحلیل متغیرهای زمینه‌ای^۱ در جامعه‌ی مورد مطالعه برحسب وضعیت تأهل، گروه سنی و مقاطع تحصیلی این داده‌ها به دست آمد: میزان گرایش به حجاب در بین زنان متأهل و دارای مدرک دیپلم نسبت به زنان مجرد با تحصیلات لیسانس و بالاتر، بیشتر است. این یافته‌ها با دیدگاه نظریه‌ی یادگیری کرسی^۲ و برخی از پژوهش‌های تحقیق از جمله تحقیق رجالی و همکاران (2013)، که در قسمت پیشینه‌ی داخلی عنوان گردید، هم‌خوانی و مطابقت دارد.

نتایج تحقیق طبق فرضیه‌ی اول نشان می‌دهد که بین سن، وضعیت تحصیلی با میزان گرایش به حجاب در بین زنان شهرستان لالی تفاوت وجود دارد. یعنی در بین پاسخ‌گویان با مدرک دیپلم بالاترین میزان گرایش به حجاب وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه فرد از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار باشد، میزان تعلق و گرایش وی به رعایت حجاب کم رنگ‌تر می‌شود. همچنین ضرایب تعیین نشان می‌دهد که دو متغیر گروه تحصیلی و جنس به طور مشترک ۶۱ درصد واریانس متغیر وابسته گرایش به حجاب را تبیین می‌کنند. این یافته با نظریات رویکرد ماتریالیستی در بحث تبیین‌های مختلف انحرافات اجتماعی و یافته‌های رجالی و همکاران (Rejallei et al., 2012) در بخش پیشینه‌ی تحقیق منطبق است، چرا که به نظر می‌رسد با بالا رفتن تحصیلات، فردگرایی رواج پیدا می‌کند و این فردگرایی خود می‌تواند به معنای سست شدن پایبندی پاسخ‌گویان به مقوله‌ی حجاب باشد، که لازمه‌ی آن کنار گذاشتن خواسته‌های جمعی و توجه به خواسته‌های فردی است.

یافته‌های تحقیق طبق فرضیه‌ی دوم نشان می‌دهد که بین شغل و نگرش به حجاب همبستگی بالایی (۰/۸۱) برخوردار است. طبق ضریب تعیین به دست آمده، ۰/۶۰ از تغییرات متغیر وابسته‌ی نگرش به حجاب توسط متغیر شغل، پوشش داده می‌شود. بر حسب وزن دهی، این متغیر قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشد.

طبق نتایج به دست آمده از متغیرهای زمینه‌ای و ارتباط آنان با این فرضیه، می‌توان گفت که با بالا رفتن سطح تحصیلات (کسب شغل و درآمد متأثر از تحصیلات)، بین پایگاه اجتماعی و گرایش به حجاب رابطه‌ی معکوس وجود دارد، یعنی به هر میزانی که سطح پایگاه اجتماعی پاسخ‌گو بالاتر باشد، به همین میزان گرایش به حجاب کاهش پیدا می‌کند، فرضیه با نظریه‌ی کنترل اجتماعی و و یافته‌های (Roubsoun, 2001) در بخش پیشینه مبنی بر پایگاه اجتماعی و قدرت خرید مطابقت دارد. این نظریه مربوط به تناقض‌های شهری در محیط‌های شهری است که با خود مجموعه‌ای از آشفتگی‌ها و اختلاط‌های ارزشی و هنجاری به همراه دارد. وجود این زمینه در کشیده

1- Variable background

2 -kercee

شدن افراد به بی‌حجابی به عنوان یکی از نمودهای این آشفتگی هنجاری و تنوع‌طلبی مؤثر است؛ چرا که یکی از ویژگی‌های زندگی شهری تنوع‌وابستگی و آرزوهای چندین برابر ساکنین آن است.

نتایج تحقیق بر اساس **فرضیه‌ی سوم** نشان می‌دهد که همبستگی بالایی (۰/۷۷) بین متغیر مستقل تربیت خانوادگی زنان با نگرش آنان به مقوله‌ی حجاب وجود دارد. بنابراین بین تربیت خانوادگی زنان با نگرش آنان به مقوله‌ی حجاب رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. سپس با توجه به ضریب تعیین به دست آمده می‌توان گفت که متغیر مستقل تربیت خانوادگی از قدرت تبیین بالایی جهت پیش‌بینی متغیر وابسته وجود دارد. به عبارتی دیگر هرچه فرد در شاخص‌های تربیت خانوادگی امتیاز بیشتری کسب کند، میزان نگرش بالایی نسبت به مقوله‌ی حجاب دارد.

این یافته‌ها با نظریه‌ی گزینش عقلانی و نظریه‌ی مبادله^۱ هومنز بر اساس ارزش‌های رایج خانوادگی مطابقت دارد. هم‌چنین، بر اساس رویکرد گزینش عقلانی انسان‌ها موجوداتی با قصد و نیت هستند. وی معتقد است که گزینش عقلانی، بهترین روشی است که منجر به حداکثر سود می‌شود (Turner, 2010). این وصف، کنشگر و سوژه جهت رسیدن به خواست و مقصد خویش که در این جا جلب توجهی می‌باشد، آگاهانه و گزینش‌گرانه دست به عمل می‌زند. هم‌چنین نتیجه‌ی به‌دست آمده همسو با یافته‌های تحقیقات پژوهشی خواجه نوری و همکاران (2012) در بخش پیشینه‌ی داخلی تحقیق خواهد بود.

در خصوص **فرضیه‌ی چهارم** نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر دینداری و گرایش زنان به مقوله‌ی حجاب، طبق شاخص‌های ذکر شده، رابطه‌ی مستقیم و مثبتی وجود دارد. به این معنا که با افزایش سطح دینداری، نگرش به حجاب در بین زنان جامعه آماری افزایش می‌یابد و میزان همبستگی بالاتر از ۰/۵۰ گویای تأیید این مدعا خواهد بود. فرهنگ سازی برای حجاب و عفاف از طریق تعمیق، ترویج و تحفیظ باورهای دینی؛ باید نسل جوان را با آموزش‌های رسمی و غیر رسمی با حدود شرعی و فلسفه‌ی حجاب آشنا کرد و برای این آشنایی از تکنولوژی رسانه‌ای در خانواده‌ها و آموزش و پرورش بهره جست. این فرضیه با نظریات هیرشی^۲ مطابقت دارد. چون بر حسب این نگرش، اگر میزان اعتقادات و تعلقات فرد به دین و ارزش‌های مذهبی بیشتر شود افراد کمتر مرتکب انحرافات اجتماعی (بی‌حجابی) خواهند شد. هم‌چنین نتایج این فرضیه با نتایج یافته‌های حجتی (2007) در پیشینه‌ی تحقیق کاملاً مطابقت دارد.

1- Exchange theory

2- hirschi

نتایج یافته‌های تحقیق بر اساس فرضیه‌ی پنجم نشان می‌دهد که بین متغیر رسانه‌های گروهی و میزان گرایش به حجاب رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشد. این فرضیه با نظریه‌ی یادگیری ساترلند^۱ مطابقت دارد که در این نظریه بیان می‌دارد، کج‌روی در ضمن کنش متقابل فرد با دیگران و در جریان ارتباطات صمیمانه و رودررو شکل می‌گیرد. هم‌چنین یافته‌های کسب شده با نتایج پژوهش (Mahta, 2010) در بخش پیشینه‌ی خارجی هم‌سو می‌باشد. عفاف و حجاب، نه تنها برای انسان‌ها محدودیت نمی‌آورد، بلکه با حفظ شخصیت و کرامت و مصونیت زنان، زمینه‌ی حضور فعال و رشد و بالندگی در مسیر صحیح برای آنان در اجتماع را فراهم می‌سازد. امروزه یکی از مسائل مهمی که جامعه ما را تهدید می‌نماید بدحجابی و یا بی‌حجابی است که باعث اشاعه‌ی فحشا گردیده و جوانان و نوجوانان زیادی را در منجلاب فساد غوطه‌ور نموده است. اگر ضرورت و نقش عفاف و حجاب در اجتماع به خوبی تبیین و از طریق رسانه‌های جمعی به درستی منتشر شود، زمینه‌های توسعه و ترویج آن به راحتی و با مشارکت همه‌ی مردم فراهم خواهد شد.

با توجه به آثار مثبت و فراوان عفاف و حجاب، مهم‌ترین راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه و افراد (تربیت خانوادگی، میزان دینداری، رسانه‌های جمعی و گروه دوستان) از طریق فرهنگ‌سازی از کانال رسانه‌های جمعی و شبکه‌ای نهادینه و به اجرا در می‌آید. پوشیده بودن زن در جامعه، نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده می‌شود، بلکه سبب حفظ ارزش زن و جلوگیری از ابتدال و تباهی او نیز می‌باشد.

References

- Quran kareim, Surah Nour
- Abolhasani, A. (1995). Darkness in the blaze of light, qom, allhadi instutaition, spring, v (1) 4.21
- Ahmadi,A,Adllipour,S,Mirmohamad, A.(2014),Family instutaition,life style and tendency to hijab, Quarterly social instutaition sociology, 1(3).(Persian)
- Alavi,H and Hjati,R(2006). The influential factors on bad veling of Bahonar Kkerman university girls student, Islamic Iraining Quarterly,,4, pp 63- 88.
- Alishvand, F (2007), "Khordadaneh Hamshahri Monthly," 16. (Persian)
- Amid, H (1987) Amid culture. Tehran: Amir Kabir. -Fazzali, Mohammad (2003), Consumption and Lifestyle, Qom, Sobh Sadegh Publication.557 (Persian)
- Azgari, F (2014) A Study of the Concept of Hijab in Divine Religions, The First National Congress of Religious Studies and Religions, 1(8). (Persian)

¹- sutherland

- Ceramishhehians, Umm al-Banin (1996), tendency toward veiling and taking it among students in the public and Islamic space of Tehran and its causes and sociologists, Alzahra University, Senior Lecturer, Social Sciences Research. (Persian).
- Doosas D.A. (2015), translation of Hooshang Nayebi, Scrolling in Social Research, Tehran, Nay R62-65.(Persian).
- Fazzlian, P (2010) The Relationship between Hijab and Social Security in Tehran Women.65 (Persian)
- Gharishi, A(2005); Qamas Quran, Dar al-Katl al-Islam, Tehran. (Persian)
- Giddens, A, (2002), Modernity and Identity, Translator, Nasser Tofighian, Tehran, publication of the Ney.219-221
- Giddens, A,. (1994) Sociology. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Publishing Ney. (Persian).
- Giddenz, A. (2009).sociology, trasslated by Hassan chavoushian,Tehran, Nei publication.
- Giddenz, A. (2006). Reformation and identification, social and individual identity in the modern era, translate by naser movafaghian, nei publication.
- Glock and stark(1965)prayer and health. Journal of psychology and theology, 23-(10) 15-29
- Habibi,M,(2010), A survey of youth and middle aged views on superior hijab, behavioral science collection, 4(1). (Persian)
- Hernama, A. (2015), Ali Akbarzadeh Zahra, The Concept of Hijab in Islamic Texts, 6(22). (Persian).
- Jallaeipour,H and mohammadi,J(1999), Recent sociological theories,Tehran,nai publication.41 (Persian)
- Karimi, Y, (1993), Social Psychology, Tehran, publication of the Ney.297 (Persian)
- Kenbari, K (2014), The role of hijab culture and chastity in promoting the Islamic lifestyle, Find newsletter(Persian).
- Khajeh Noori, B, Ali Rohani, Somayeh Hashemi (2012), The tendency to veil and different styles of life, Applied sociology, 23(31). (Persian).
- Khajehnoori, B, Rohani, A, and Hashemi, S. (2013). The tendency toward veil and various styles of life. A case study: Shiraz city women, applied sociology, No 47.
- Khoja Nuri, B et al. (2016), Relationship between lifestyle and body image, Case study of women in Shiraz, Cultural Studies Quarterly, 1(3). (Persian).
- Khiabany, Gh. and Milly Williamson (2008), Veiled bodies naked racism: culture, politics and race in the Sun Race Class, 2(50), PP: 69-88.
- Kiribyan (2009), Modern Social Theory from Parsons to Habermas, translated by Abbas Mokhtban, Tehran: Publishing.91(Persian).
- Kilic, S., Sahrso, S. & B. Sauer (2008), Introduction: The Veil: Debating Citizenship, Gender and Religious Diversity, pp. 397° 410
- Kilicbay, B & Binark , M. (2002). Consumer culture, Islam and politics of lifestyles: Fashion for veiling in contemporary Turkey. European Journal of Communication, 4, 495-511.
- Little D (1994) Explanation in Social Sciences; Translated by Abdul Karim Soroush;151 (Persian)

-Mehta, SH. (2010). Commodity Culture and Porous Social - Religious Boundaries: Muslim Women in Delhi, South Asia Research, 1(30), p p: 1-24

Mehta, Sh. (2010), Commodity Culture and Porous Socio-Religious Boundaries: Muslim Women in Delhi South Asia Research, 1(30), PP: 1-24.

-Moein, M, (1963) Persian culture c. 3. Tehran: Amir Kabir.134 (Persian)

- Moein, M, (2000) Persian culture. Tehran: Amir Kabir, J 1. (Persian)

-Mohammadi, A, (2007), Factors Affecting Negligence in Girls and Women in Isfahan, Sociological Quarterly, 1(4).49 (Persian)

Mohammadi , A.(2005). The factor affecting the tendency toward Mis veil among Isfahan girls and women, specialized sociology journal, 1st year, No4. (Persian)

-Momani, H, Nourallahzadeh, A and Bahmaye S, (2011), Sociological Analysis of Hijab on the Mental Relaxation of High School Girls and the Journal of Social Development, Sixth Edition, 2(9). (Persian)

- Nik bakhsh, B and Bagheri, Masoumeh (2011), An Introduction to the Foundations of Sociology, Kurdagar Publications, Ahvaz.138 (Persian)

- Nik bakhsh, B et al. (2010), The Impact of Poverty on Social Deviations among Students at Payame Noor University of Ahvaz, Journal of Human Development, 1(2).84 (Persian)

- Nik bakhsh, B (2015), Causes of Massive Massacres as a Social Damage, First International Conference on Psychology and Social Sciences, 1(32).112. (Persian)

-Rajali, M, Mahnaz Motazjaran, Mehran Lotfi (2012) The Attitude of Female Students of Isfahan University of Medical Sciences toward Hijab and Coverage, Journal of Health Research, 8(3). (Persian).

rajabi, Soran (2012), The Study of the Hijab Behavior in Students and its Impact on Happiness, Shiite Women's Promotion Paper, Year 7, Issue 25. (Persian)

-Restghar Kh, Amir, Mohammadi, Meysam and Taghipour Iovaki (2012), Social activities of women and girls regarding hijab and its relationship with Internet and satellite consumption, Social Sciences Council of Women and Family, 56(2). (Persian)

-Report, M, (1990) Women's Coverage in Islam, Ninth Edition, Naser Publishing.

-Sajjadi, J; (1985) Islamic Exile Culture, First Edition, Iranian Writers and Translators Co., Tehran.29 (Persian)

-Sydman, S. (2009), Controversy in Sociology, Translation by Hadi Jalili, Tehran: Publishing the Ney.273. (Persian)

- Shojaei, M. (2006) Duck Oyster. Qom: Mahi(5).177. (Persian)

-sharipoor, Mahmoud; Seyedeh Zainab Taghavi and Mehdi Mohammadi,(2012); Sociological Analysis of Factors Affecting Hijab's tendency. Case study: Hijab tendency among female students of Mazandaran University, Iranian Journal of Cultural Studies, 5 (19). (Persian)

-Taghavi,M, Seyedeh Zainab and Mohammadi, M (2012), Sociological Analysis of Factors Affecting Hijab's Trend, Cultural Research Fellowship 3(6). (Persian)

-Tarlo, E. (2007), Hijab in London: Metamorphosis, Resonance and Effects , Journal of Material Culture, 2(12), pp. 131° 156.

-University Jihad of University Tehran,(2014), According to the order of the Islamic propaganda organization, the attitude of the women of Tehran to the veil. (Persian)

-Women Message Message,(2013), Field Information Base, Family Education Section, Oct. 85, p. 175. (Persian)

-Yousefzadeh,M and Mohammad Reza, Azarion; P,(2010), Study on the relationship between the use of communication media and the trend of students of Boo Ali Sina University girl students to Hijab, Religious Communication Communication Physics, No. 1, Spring 1(4).(Persian).

-Zanjani, F (1995) Hijjabieh Treatise, Kayhan Andisheh Journal, , June and July.60 (Persian).

